

هنر اژه و یونان



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند:

- ۱- نقش هنر اژه‌ای را در هنر یونان بیان کند.
- ۲- ویژگی‌های هنر اژه‌ای را توضیح دهد.
- ۳- علت رشد هنر یونان را شرح دهد.

- ۴- ویژگی شیوه هندسی را شرح دهد.
- ۵- ویژگی های هنر شیوه باستانی را توضیح دهد.
- ۶- خصوصیات هنر پیکره سازی کلاسیک را شرح دهد.
- ۷- ویژگی هنر دوره هلنی را شرح دهد.

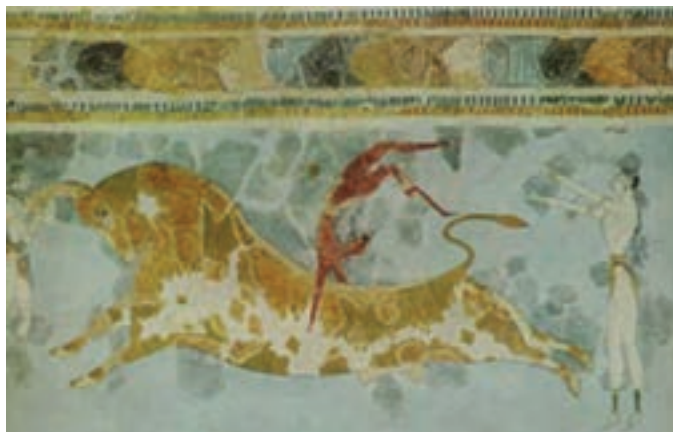
۱- هنر اژه ای

تمدن اژه ای به دست مردمانی به نام مینوسی ها و میسنی ها شکل گرفت. مردم اژه بعد از گذر از دوره نوسنگی، وارد عصر شهرنشینی شدند و به سرعت به مدارج شهرنشینی پیشرفته ای رسیدند. مینوسی ها به دلیل نزدیکی و روابط تجاری با میانرودان و مصر، در جذب و انتقال تجارب این دو تمدن به سرزمین خود و انتقال آن به یونان نقش مهمی داشتند. در حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد زندگی شهرنشینی در جزیره کرت به اوج خود رسید.

اندکی بعد میسنی ها، ساکنان جنوب یونان، ابتکار عمل را به دست گرفتند و جانشین مینوسی ها شدند. این اقوام همزمان با شکل گیری تمدن یونان به خاموشی گراییدند. اژه ای ها در شکل گیری تمدن یونان نقش مهمی را ایفا کردند. امروزه بخشی از میراث هنری آنها چون آثار معماری، قبور سنگی، تندیس سازی، نقاشی دیواری و سفال های منقوش آشکار شده اند (تصویر ۱). تندیس های انسانی ساده و از شکلی هندسی و زاویه دار برخوردارند و نقاشی دیواری آنها نیز تنوعی از شکل های ساده هندسی تا طبیعت گرایی را نشان می دهند، در برخی از آثار هنری آنها شادی، شوخ طبعی و حرکات موزون دیده می شود (تصویر ۲). هنر اژه ای با وجود تأثیرات شرقی از شخصیتی مستقل و نوظهور برخوردار است.



تصویر ۱- سفال با نقش جانور دریایی، دوره میسنی، حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد، موزه برگامون



تصویر ۲- هنر مینوسی، نقاشی دیواری، صحنه گاو بازی، حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۶۰ سانتی متر، موزه هراکلیون، کرت

- ۱- minoan/minoans. مینوسی ها ساکنان جزیره کرت (Cret) و جزایر سیکلاد (Cyclades) در دریای اژه بودند. این دریا بین یونان و ترکیه (آسیای صغیر) قرار دارد.
- ۲- Mycenaean، ساکنان جنوب یونان

۲- هنر یونان

● سرزمین و مردم یونان

یونان نام سرزمین و کشوری به شکل شبه جزیره‌ای نامنظم و با جزایر بزرگ و کوچک در جنوب شرقی اروپا است. نخستین مردم شناخته شده‌ای که وارد خاک یونان شدند، میسنی‌ها بودند. اندکی بعد مردم دیگری که به زبان یونانی سخن می‌گفتند و از شمال یونان وارد این سرزمین شدند، با میسنی‌ها در آمیختند و کم‌کم بر جزایر و سواحل دریای اژه و آسیای صغیر مسلط و به تدریج تمدن یونان را بنا کردند. در میان اقوام یونانی، دوریسی^۱ها و ایونی^۲ها مشهور هستند. دوریسی‌ها در خاک اصلی یونان و ایونی‌ها در جزایر و سواحل آسیای صغیر ساکن شدند و با تمدن‌های خاورمیانه ارتباط داشتند.

یونان در زمانی کوتاه به یکی از تمدن‌های بزرگ جهان تبدیل شد. آب و هوای مساعد، فراوانی منابع طبیعی، راه‌های امن دریایی، نزدیکی به تمدن‌های مصر و میانرودان، روح آزادی خواهی، نداشتن حاکمان مستبد و داشتن روحیه بازرگانی از عوامل مؤثر در رشد سریع تمدن یونان در مقایسه با دیگر تمدن‌های کهن بود.

● شیوه یا دوره‌های هنر یونان

هنر یونان از آغاز تا انجام به چهار شیوه^۳ یا دوره، هندسی، باستانی، کلاسیک و هلنی تقسیم می‌شود و اوج آن در شیوه کلاسیک متجلی می‌شود.

● دورهٔ شیوه هندسی: شیوه هندسی که به آن مرحله شکل‌گیری تمدن یونان نیز می‌گویند، از ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد به طول انجامید. یونانی‌ها از حدود ۸۰۰ پیش از میلاد با سرعتی شگرف در تاریخ ظاهر و در ۷۷۶ پیش از میلاد، نخستین بازی‌های المپیک^۴ را برگزار کردند و این زمان، آغاز تاریخ مستند یونان است.

هنر این دوره، شامل سفالینه‌هایی با نقوش هندسی، جانوری و انسانی است. تصاویر انسانی و جانوری ساده و به شکل هندسی روی سفال‌ها نقاشی می‌شد (تصویر ۳).



تصویر ۳- شیوه هندسی، مراسم سوگواری، نقاشی روی ظرف سفالی، سده هشتم پیش از میلاد، موزه متروپولیتن

۱- Doric

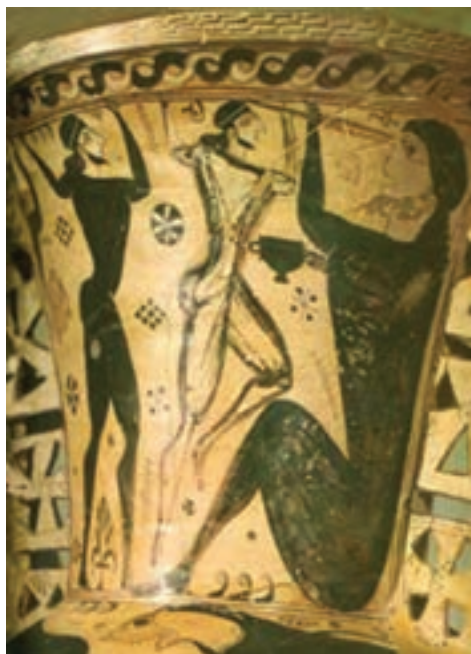
۲- Ionic

۳- به شیوه هندسی، دوره شکل‌گیری و به شیوه باستانی، دوره خاور مایی نیز گفته می‌شود.

۴- المپیک برگرفته از نام دشت المپیا است که یونانی‌ها در این محل هر چهار سال یکبار جشن و مسابقه برگزار می‌کردند.

مهمترین اتفاق در این دوره، نگارش دو حماسه ایلیاد^۱ و اُدیسه^۲ توسط هومیر^۳ بود که داستان‌های این دو حماسه، موضوع نقاشی‌های روی سفال‌ها بود.

● **دوره باستانی** : دومین شیوه هنری یونان، شیوه باستانی^۴ یا خاورمآبی نام دارد. در آغاز این شیوه، یونانی‌ها از طریق رفت و آمدهای تجاری با تمدن و هنر سرزمین‌های میانرودان و مصر آشنا شدند و در فاصله ۷۲۵ تا ۶۵۰ پیش از میلاد بخش بزرگی از هنرها و افکار تمدن‌های خاورمیانه را جذب و آنها را با شیوه هنری خود هماهنگ و شیوه باستانی را به وجود آوردند. این شیوه یکی از مراحل مهم تکامل هنر یونان است. نقاشی‌ها و تندیس‌های شیوه باستانی جاندار، باحالت، پر جنبش و از تازگی و سرزندگی برخوردارند. در این دوره، سفالینه‌ها از نظر ساخت ظریف‌تر شدند و صحنه‌های زیبایی از تاریخ افسانه‌ای و زندگی روزمره مردم بر روی سفال‌ها با رنگ سیاه بر روی زمینه سرخ (نقاشی سیاه‌گون) نقاشی می‌شد. سفالگران این دوره به اندازه نقاشان به کار خود افتخار می‌کردند و نام خود را روی سفال‌ها می‌نوشتند (تصاویر ۴ و ۵). در تندیس‌سازی از سنگ برای آفرینش پایدار استفاده شد، یونانی‌ها در آغاز نه تنها روش کنده کاری روی سنگ را از مصری‌ها یاد گرفتند بلکه، از سنت تندیس‌سازی آنها یعنی حالت ایستادن با پای چپ به جلو و یک پارچگی و مکعب‌نمایی قالب بدن نیز متأثر شدند، با این تفاوت که تندیس‌ساز یونانی تلاش می‌کرد تمام جزییات بدن را نشان دهد و از



تصویر ۵- نقاشی سیاه‌گون بر روی سفال (گردن کوزه)، کور کردن پولوموس، ۶۷۵ تا ۶۵۰ پیش از میلاد، موزه التوسیسی



تصویر ۴- نقاشی سیاه‌گون بر روی سفال، صحنه پیشکش قربانی، حدود ۵۵۰ پیش از میلاد

۱- Iliade

۲- Odise

۳- Homer

۴- Archaic



تصویر ۶ - تندیس هرا، سنگ مرمر، حدود ۵۷۰ - ۵۶۰ پیش از میلاد، موزه لوور

سنگ، نقشی جاندار و تأثیرگذار به وجود آورد. تندیس‌های یونانی هوشیار و هیجان‌زده و سرشار از جنبش و با نگاه مستقیم هستند. یکی از این نمونه‌ها، تندیس زنانه الهه هرا^۱ است که ضمن شباهت به تندیس‌های مصری، دارای شکوه و وقار و روح است و جامه‌اش، تندیس را جاندارتر و زنده‌تر کرده است (تصویر ۶).

در دوره باستانی معماری معابد سنگی نیز به سرعت رشد کرد. معابد یونانی اغلب به طرح مربع مستطیل با سقف شیروانی مانند و دورستونی هستند و نمای بالای ورودی ساختمان، شکلی مثلث مانند دارند که به آن سنتوری می‌گویند. یونانی‌ها از حجاری، نقاشی و تزئینات معماری بناهای مصری و میازودانی آگاه بودند. اما آنها تنها در نمای سنتوری‌ها اقدام به حجاری و ایجاد نقوش برجسته می‌کردند (تصویر ۷).



تصویر ۷ - طرح خطی معبد دلفی، شیوه دوریک، ۵۲۰ سال پیش از میلاد

● **دوره کلاسیک**: سومین شیوه یا دوره هنر یونان، کلاسیک^۲ نام دارد که اوج هنر یونان است و به خاطر تأثیر آن در معماری، تندیس‌سازی و نقاشی اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اساس هنر یونان در این دوره، نظم، تناسب و هماهنگی در جزء و کل، سادگی و استحکام، قرینه‌سازی ماهرانه، تعادل و توازن، غلبه عقل بدون فنا کردن احساس است. نماها و شکل ستون‌ها و سر ستون‌های این دوره حتی تا امروز هم در معماری جهان مورد توجه‌اند و تندیس‌های عهد کلاسیک، هنوز جزء عالی‌ترین نمونه‌های هنر تندیس‌سازی در جهان هستند.

هنر عهد یونان زمانی به کمال دست یافت که آزادی آرمانی در جامعه یونانی تحقق یافت و هنرمند یونانی توانست احساس، عقل و طبیعت را در آثار خود مجسم سازد. شیوه کلاسیک بزرگترین ارمغان هنر یونان به هنر غرب است.

۱- در اساطیر یونان نام الهه ازدواج است Hera - ۱

۲- واژه کلاسیک (Classic) برای هنر یونان و روم به معنی کامل است.

در طول دوره کلاسیک، هنر معماری، نقش برجسته‌سازی، تندیس‌سازی و نقاشی نیز پیشرفت زیادی کرد. سمبل معماری کلاسیک معبد پارتنون^۱ است که به شیوه دوریک^۲ یا دوریسی ساخته شده و تناسب و هماهنگی در جز و کل، ظرافت، دقت و استحکام به زیباترین شکل ممکن در آن جلوه‌گر شده است (تصاویر ۸ و ۹). شیوه هنری دوریک جدی، سنگین و نیرومند است و شیوه ایونی، نرم و دلپذیرتر است.



تصویر ۹- معبد پارتنون، نمای غربی، ۴۴۸-۴۳۲ پیش از میلاد، آتن



تصویر ۸- نقاشی، چگونگی ساختن معبد پارتنون

در این دوره ساخت تئاتر یا تماشاخانه سرگشاده در اغلب شهرها رایج بود. این نوع ساختمان به شکل نیم-دایره در شیب تپه‌ها با ردیف‌هایی از نیمکت‌های سنگی و محل نمایش به شکل دایره یا نیم دایره در مقابل نیمکت‌ها ساخته می‌شد (تصویر ۱۰).

از دیگر زیبایی‌های معماری یونانی تنوع ستون‌ها است. یونانی در ساختمان‌ها از سه نوع سر ستون به نام‌های دوریک (برخاسته در خاک اصلی یونان) و ایونی (برخاسته در سواحل اژه و آسیای صغیر) و کرتی^۴ یا کرتی (ترکیبی از این دو نوع) استفاده می‌کردند (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰- نمای یک تئاتر، میلتوس^۳، نزدیک از میر، ترکیه

۱- Parthenon.

۲- دوریک (Doric) یا دوریسی نام مردم سرزمین مرکزی یونان بود و آثار هنری آنها به این نام خوانده می‌شود تا از آثار هنری یونانی‌های ساکن سواحل آسیای صغیر و دریای اژه (ایونی‌ها) باز شناخته شود.

۳- Miletos

۴- Corinthian



دوریک

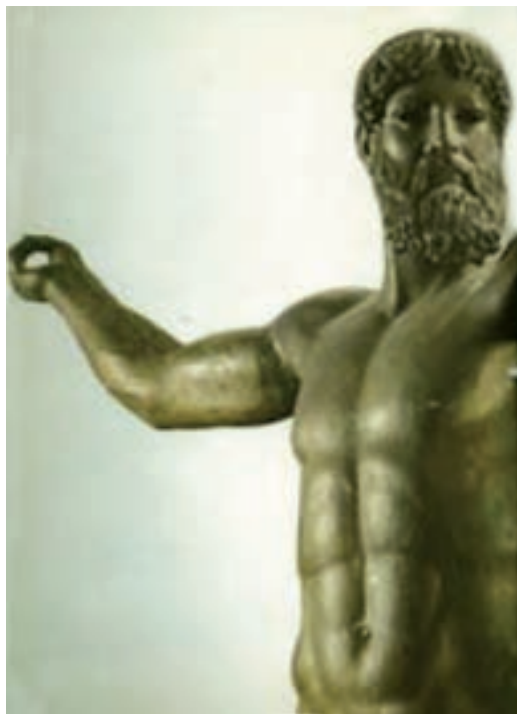
ایونیک

کرتنی

تصویر ۱۱- ستون‌های یونانی

تندیس سازان این دوره با شناخت اندام انسان، با سنگ و فلز به ساخت تندیس پرداختند و تا مراحل تکمیل جزییات و حرکات بدن پیش رفتند و به نمای روبرو اهمیت دادند.

در تندیس مشهور دیسک‌پران، هدف مجسمه‌ساز این است که حالت خاصی از آرامش را در بدن انسان نشان دهد و چهره نیز بیان‌کننده وقار و تفکر و خویشتنداری باشد (تصویر ۱۲). از دیگر آثار برجسته، تندیس مفرغی زئوس^۱ در حال پرتاب نیزه است، در این تندیس، بدن حالتی پهلوانی دارد و حالت پرتاب به خوبی نشان داده شده است. تندیس سازان یونانی تلاش می‌کردند که تصویری آرمانی از انسان ارائه دهند (تصویر ۱۳). در این دوره، ساخت سنگ مزار نیز مورد توجه بود. از نمونه‌های برجسته سنگ مزار هِگِسُو^۲ است، نقش متوفی و خدمتکارش بسیار هماهنگ و حالت اندوه در نگاه خدمتکارش به خوبی منعکس است (تصویر ۱۴). در نقوش برجسته، ژرف‌نمایی در تندیس‌ها و نمایش حالت‌های بدن، مورد توجه قرار گرفت و از پارچه و لباس برای نمایش عمق و پرکردن فضا استفاده شد. در این دوره کمابیش نقاشی دیواری نیز مورد توجه بود که از ویژگی آنها توجه به عمق‌نمایی بود.



تصویر ۱۲- دیسک‌پران، کپی مرمین رومی از روی تصویر ۱۳- (دو تصویر سمت چپ) تندیس مفرغی زئوس، حدود ۴۶۰ پیش از میلاد، موزه آتن اصل مفرغی، حدود ۴۵۰ پیش از میلاد، موزه روم

۱- زئوس (Zeus)، خدای آسمان

۲- هِگِسُو (Hegeso)



تصویر ۱۴- سنگ قبر هِگسو، حدود ۴۱۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۱۵۰ سانتی متر، موزه آتن

● **دوره هلنی^۱** : حمله اسکندر به آسیا و تصرف بخش‌هایی از خاورمیانه، سبب گسترش تمدن و هنر یونان از راه آسیای صغیر (ترکیه) به سوی شرق (سوریه، مصر، ایران تا مرزهای هندوستان) شد. در این دوره، هنر یونانی در سرزمین‌های تصرف شده با هنرهای محلی آمیخت و آثاری متأثر از هنر یونانی و سبک‌های محلی به وجود آمد که به سبک هلنی شهرت یافت. در ساخت کاخ‌ها، معابد و مقابر، از شکوه و جلال معماری شرقی استفاده می‌شد. در تندیس‌ها، شبیه‌سازی مورد توجه قرار گرفت. تندیس‌سازان به واقعیت‌های زندگی انسان‌های عادی توجه کرده و احساس انسان‌ها را به شکل هیجان، حسرت، نگرانی، رنج، خودخواهی و پیروزی در تندیس‌ها مجسم می‌کردند. تندیس و آرامگاه ماوسولوس^۳ در غرب آسیای صغیر^۴ و یک سر مفرغی بیان‌گر شیوه هلنی است (تصاویر ۱۵ و ۱۶). در دوره هلنی، سبک کلاسیک در سرزمین اصلی یونان متوقف نشد و ادامه یافت. تندیس الهه پیروزی نمونه‌ای از آثار با ارزش کلاسیک در دوره هلنی است. این تندیس با بال‌های گشوده

۱- واژه هلن یا هلنی (Hellen) نام دیگر کشور یونان است.

۲- دوره هلنی از زمان حمله اسکندر به آسیا تا زمان تسلط روم بر یونان گفته می‌شود.

۳- Mausolus

۴- Halicarnassus

در حال فرود بر دماغه کشتی است و حالت فرود بسیار زنده، هیجان‌انگیز و متعادل است و شکل برخوردار نسیم دریا در موقع فرود در چین‌های لباس نشان داده شده است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷- الهه پیروزی، سنگ مرمر، حدود ۱۹۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۲۴۰ سانتی‌متر، موزه لوور



تصویر ۱۶- سردیس مفرغی، از دلوس، حدود ۸۰ پیش از میلاد، موزه ملی آتن



تصویر ۱۵- پیکره ماوسولوس، سنگ مرمر، حدود ۳۵۱ پیش از میلاد، موزه بریتانیا

جدول گاهنگاری یونان			
آثار	زمان (پیش از میلاد)	دوره	
	۲۶۰۰-۱۱۰۰	سیکلاد	هزاره‌ای
	۲۰۰۰-۱۵۰۰	مینوسی	
	۱۶۰۰-۱۱۰۰	میسنی	
	۱۱۰۰-۷۰۰	شیوه هندسی	
	۷۰۰-۴۸۰	خاور مآبی و شیوه باستانی	
	۴۸۰-۴۰۰	کلاسیک	
	۴۰۰-۰	هلنی	

- ۱- تمدن اژه در چه مناطقی شکل گرفت؟
- ۲- هنر اژه‌ای دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۳- چه عواملی در رشد سریع تمدن یونان مؤثر بود؟
- ۴- هنر یونان دارای چه شیوه‌هایی بود؟
- ۵- شیوه هندسی هنر یونان دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۶- چرا به دومین دوره هنر یونان خاورمآبی می‌گویند؟
- ۷- شیوه خاورمآبی یا باستانی دارای چه خصوصیتی است؟
- ۸- ساختمان معابد یونانی دارای چه ساختاری است؟
- ۹- تندیس‌سازی دوره کلاسیک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۱۰- شیوه هلنی از آمیزش چه هنرهایی به وجود آمد؟
- ۱۱- درستی یا نادرستی جملات زیر را مشخص کنید.
الف) هنر کلاسیک هم‌زمان با آغاز تاریخ مستند یونان است.
ب) تماشاخانه‌های یونان به شکل نیم دایره در شیب تپه‌ها ساخته می‌شد.
ج) تندیس الهه پیروزی نمونه‌ای از آثار با ارزش کلاسیک در دوره هلنی است.

اتروسک و روم باستان



هدف‌های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند :

- ۱- نقش تمدن یونان را در شکل‌گیری تمدن اتروسک بیان کند.
- ۲- ویژگی‌های معماری اتروسک را توصیف کند.
- ۳- تندیس‌های تدفینی اتروسک‌ها را شرح دهد.
- ۴- زمینه‌های پیدایش هنر روم را شرح دهد.
- ۵- ارتباط هنر روم و یونان را بیان کند.
- ۶- انواع بناهای رومی را نام ببرد.
- ۷- ابتکارات رومی‌ها را در معماری ذکر کند.
- ۸- ویژگی اصلی تندیس‌ها و نقوش برجسته رومی را شرح دهد.
- ۹- هنر نقاشی و موزائیک‌سازی رومی را شرح دهد.

۱- اتروسک

اتروسک‌ها از اقوام ساکن در ناحیه مرکزی ایتالیا (توسکانی امروز) بودند که در اواسط هزاره اول پیش از میلاد دولت شهرهایی را تشکیل داده بودند، بنا به گفته هرودت^۲ مورخ یونانی آنها از لیدی واقع در آناتولی به سرزمین ایتالیا مهاجرت کرده بودند. اتروسک‌ها با شهرک‌هایی که یونانی‌ها و فینیقی‌ها^۳ در سواحل جنوبی ایتالیا برپا کرده بودند، داد و ستد داشتند و با برخورداری از هنر و فرهنگ این دو ملت، فرهنگ شکوفایی را در سده‌های ششم و پنجم پیش از میلاد پدید آوردند. در پایان سده ششم پیش از میلاد مردمان ساکن منطقه‌ای که شهر روم مرکز آن بود، بر علیه اتروسک‌ها شوریدند و اعلام استقلال کردند و به تدریج بر قلمرو ایشان مسلط شدند و در سده سوم پیش از میلاد قلمرو اتروسک‌ها به جزئی از قلمرو کشور نوظهور تبدیل و هنر و فرهنگ اتروسک‌ها در فرهنگ روم ادغام شد.

هنر اتروسک: اتروسک‌ها در هنر فقط از سرمشق‌های یونانی استفاده نکرده، بلکه هنر خاص خود را نیز خلق کردند. هنر و معماری آنها ساده و روستایی مآب است، اما برخی از آثار آنها بسیار هنرمندانه ساخته شده‌اند. نقشه معابد آنها به شکل مربع ساده‌ای با ایوانی ستون‌دار و سقفی شیروانی مانند بود که بر روی سکویی نسبتاً بلند ساخته می‌شد و بر لبه بام تندیس‌های از جنس گِل پُخته قرار می‌دادند (تصویر ۱).

از دیگر ویژگی معماری آنها استفاده از تاق‌های گهواره‌ای در ورودی شهرها بود که روش ساخت آن را از یونانی‌ها فراگرفته بودند. این نوع تاق بعداً الگویی برای معماری رومی‌ها شد (تصویر ۲). از ابتکارات دیگر آنها، ایجاد خیابان‌های عمود بر هم بود.



تصویر ۲- دروازه شهر ولتررا^۴، حدود سده سوم پیش از میلاد



تصویر ۱- ماکت یک معبد اتروسکی

۱- Etruscan

۲- Herodotus

۳- Phoenician (لبنان امروزی)

۴- Volterra

در تدفین از هنر تندیس‌سازی استفاده می‌کردند و تابوت‌ها را به شکل نیمکت و از گل پخته می‌ساختند و تندیس متوفی را روی آنها قرار می‌دادند و سپس آنها را رنگ آمیزی می‌کردند. یکی از آنها تندیس دلنشین زن و شوهری است که نگاهی شاد، سر زنده و امیدوارانه از زندگی در دنیای پس از مرگ دارند (تصویر ۳). مقابر آنها به شکل اتاق و دارای تاقچه‌هایی در پیرامون بود، سطوح بین تاقچه‌ها را با نقاشی‌هایی بسیار طبیعت‌گرایانه‌ترین و شور و نشاط زندگی روزمره را در آنها منعکس می‌کردند.

تندیس سفالی رنگ آمیزی شده آپولون از آثار برجسته تندیس‌سازی اتروسک‌ها است که شکوه این خدای قهرمان را به خوبی نشان می‌دهد (تصویر ۴). اتروسک‌ها در ساخت تندیس و اشیای مفرغی نیز توانا بودند که نمونه مشهور آن، تندیس مفرغی ماده گرگی است که به عنوان نماد شهر روم شناخته شده است، هنرمند به خوبی خشم و سرکشی را در چهره این گرگ نشان داده است (تصویر ۵).

تا پیش از سده پنجم پیش از میلاد، تندیس‌سازی اتروسک‌ها نشان‌دهنده شخصیت‌های واقعی نبود اما تحت تأثیر دوره کلاسیک یونان، این ویژگی را به دست آورد.



تصویر ۳- بخشی از یک تابوت از گل پخته، تندیس زن و شوهر متوفی، حدود ۵۲۰ پیش از میلاد، موزه ملی ویلا جولیا، شهر رم



تصویر ۵- ماده گرگ، مفرغ، حدود ۵۸۰-۵۰۰ پیش از میلاد، موزه کاپیتالینو، شهر رم



تصویر ۴- تندیس آپولون، گل پخته، حدود ۵۱۵-۴۹۰ پیش از میلاد، موزه ملی ویلا جولیا، شهر رم

۲- روم باستان

● تاریخ و سرزمین روم

رومی‌ها^۱ از اقوام لاتین بودند که در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد از اروپای شرقی به بخش مرکزی ایتالیا کوچ کرده بودند. آنها در آغاز به صورت دولت شهری تابع اتروسک بودند، اما در حدود سده ششم پیش از میلاد، ابتدا بر اتروسک‌ها و سپس بر بخش‌هایی از اروپا، آسیای صغیر (ترکیه) و شمال آفریقا مسلط شدند و کم‌کم تمام این نواحی به نام امپراطوری روم شناخته شد و حکومت آنها تا سده پنجم میلادی دوام داشت.

رومی‌ها از اتروسک‌ها و یونانی‌ها تمدن شهری را آموختند و هنر معماری، شهرسازی و تندیس‌سازی و نقاشی این دو قوم نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری هنر آنها داشت. رومی‌ها هم در سواحل ایتالیا شهرک‌هایی ساخته بودند و از طریق این شهرک‌ها با فرهنگ و هنر یونان آشنا و به آن ارج نهاده و از آن ستایش می‌کردند.

رومی‌ها نه تنها هنرمندان و آثار هنری یونان را به کشور خود منتقل می‌کردند، بلکه از آثار آنها کپی‌های فراوان تولید می‌کردند. با وجود شباهت ظاهری هنر رومی با هنر یونانی، اما از آن متمایز است. رومی‌ها مردمی واقع‌گرا، خردپیشه، عمل‌گرا و آینده‌نگر بودند و در جذب هنر دیگر ملل نیز تعصب نداشتند. آنها فرهنگ و هنر اتروسک و ملت‌های مختلفی چون ایران، میانرودان، سوریه و مصر را نیز جذب کردند که نمونه آن پذیرش آئین ایرانی ایزد مهر^۲ و ساخت معابد مهری در نقاط مختلف اروپا بود (تصویر ۶).

بدین ترتیب رومی‌ها هنر ملل مختلف را به خوبی با هم هماهنگ کرده و هنر خاص خود را پدید آوردند.



تصویر ۶- بازسازی معبد مهری، محراب، سده اول میلادی، ماینز، آلمان

۱- نام روم یا رُم (Rom) از شهر رم گرفته شده و بنا به افسانه‌ای این شهر توسط رُمُوس ساخته شده است. رُمُوس و رِمُوس دو برادر بودند که توسط ماده گرگی بزرگ شدند.

۲- ایزد مهر: ایزد آئین مهر است که در این آئین بر پیمان و درستی رفتار انسان‌ها تأکید فراوانی دارد.

● هنر روم

● معماری: عالی‌ترین هنر رومیان معماری است که در شکلی با شکوه و عظیم ظاهر شد. معماری آنها براساس راه و رسم زندگی آنها بود. آنها در ساخت معابد، بناهای عمومی، حمام‌های پرتجمل (تصویر ۷)، استادیوم، میدان، بازار، کاخ، طاق نصرت، آمفی تئاتر، خانه‌های شخصی (ویلا)، جاده، پل و آبراه توانا بودند. قدیمی‌ترین بنای آنها معبد فور تونا^۱ در شهر رم است که ستون‌های آن یونانی، سکوی بلند آن اتروسک و فضای داخلی آن وسیع است (تصویر ۸). فضای داخلی این معابد شامل هشتی ورودی، تالار مرکزی و گنج‌خانه است. در این معابد تندیس خدایان نگهداری می‌شد.

نوع دیگری از معابد آنها معبد سبیل^۲ است که طرح مدور آن از کلبه‌های گرد روستایی روم و پلکان و نمای زیبای آن از معماری یونان الهام گرفته است. این بنا کم‌کم سرمشقی برای ساخت معابد گرد شد (تصویر ۹). معبد پانتئون^۳ (معبد همه خدایان) یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین بناهایی است که بنای اصلی آن به صورت مدور و گنبد دار ساخته شده و ورودی آن دارای رواقی ستون‌دار است (تصویر ۱۰).



تصویر ۷- بازسازی یک حمام رومی



تصویر ۱۰- معبد پانتئون شهر رم، ۱۲۵-۱۱۸ میلادی



تصویر ۹- معبد سبیل، تیولی، سده اول پیش از میلاد، شهر رم



تصویر ۸- معبد فور تونا، سده دوم پیش از میلاد، شهر رم

رومی‌ها روش ایجاد دیوار با بتن و نماسازی با آجر، گچ و سنگ‌های نازک را از شرقی‌ها فرا گرفتند و قادر شدند بناهای عظیم خود را با سرعت و ارزانی به انجام برسانند. از دیگر ابتکارهای آنها استفاده از تاق‌های گهواره‌ای یا قوسی در ورودی‌ها، پنجره‌ها و پنجره نماها و پل‌ها و آبراه‌ها بود که آن هم ریشه شرقی داشت (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱- آبراه و پل، ۱۶ تا ۲۰ پیش از میلاد، شهر نیم^۴ در جنوب فرانسه

۱- Fortuna

۲- Sibyl

۳- Pantheon.

۴- nimes

یکی از شاهکارهای مهندسی و معماری رومی، ساختمان کولوسئوم^۱ (آمی تئاتر یا تماشاخانه) سرگشاده شهر روم است (تصویر ۱۲). از ابتکارات دیگر معماری، ساخت تالارهای دراز برای افزایش گنجایش جمعیت در معابد است. از دیگر مشخصه‌های معماری رومی ساخت تاق نصرت‌های یک یا سه دهانه بود که معمولاً آنها را برای تجلیل از امپراتوران پیروز در جنگ‌ها می‌ساختند (تصویر ۱۳).

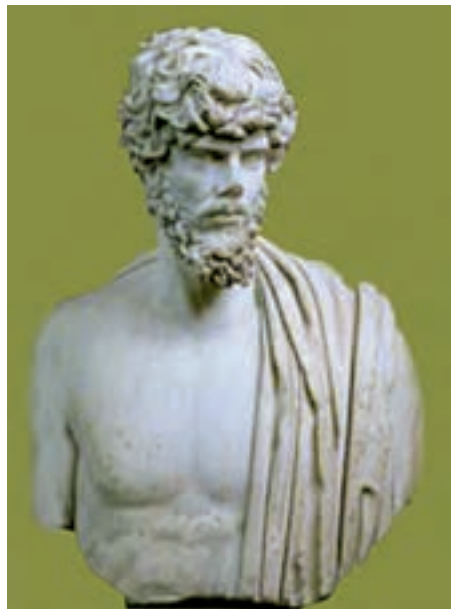


تصویر ۱۳- تاق نصرت کنستانتین، سده ۴ میلادی، شهر رم

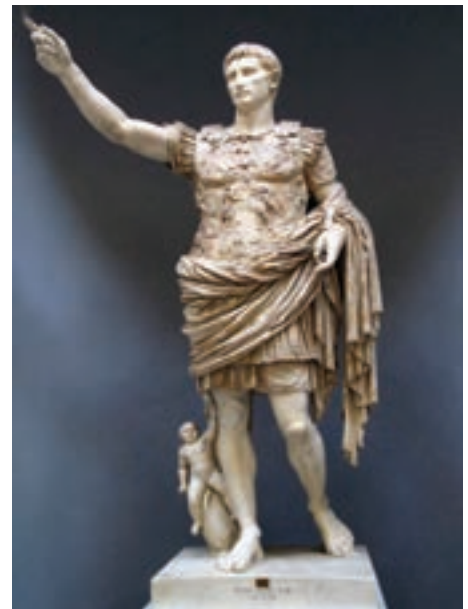


تصویر ۱۲- کولوسئوم (استادیوم - تماشاخانه)، شهر رم، ۸۲-۷۰ پیش از میلاد

● **تندیس‌سازی:** تندیس‌سازان بیشتر در زمینه نقش برجسته و تک چهره فعال بودند و برای ساخت تندیس‌های تمام قد اغلب مدل‌های یونانی را کپی می‌کردند. مهمترین دستاورد آنها



تصویر ۱۵- تندیس مرد جوان، سده دوم میلادی، سنگ مرمر، موزه کپنهاک



تصویر ۱۴- امپراتور اکتاوین، اهل پریماپورتا^۲، حدود ۲۰ پیش از میلاد، مرمر، بلندی حدود ۲۰۰ سانتی‌متر، موزه واتیکان، رم

۱- Colosseum

۲- Prima Porta

واقع‌نمایی در تک‌چهره‌ها بود، از این‌رو آنها کمتر به صورت‌نگری آرمانی یونانی‌ها توجه نشان می‌دادند. در تندیس‌سازی واقع‌گرایانه رومی، بازنمایی بدن نسبت به چهره، اهمیت کمتری داشت و غالباً تابع نمونه‌های ثابت و یکسان بود. البته این شیوه همواره مطلوب همه دولتمردان نبود، به‌طور مثال در زمان یکی از امپراتورهای روم اکتاوین، سبکی ترکیبی شکل گرفت که هدف آن ارائه‌ی تمثالی خیال‌انگیز و آرمانی از فرد معین بود (تصویر ۱۴). به‌عبارتی هر امپراتور سلیقه خود را اعمال می‌کرد، بعضی طالب آرمان‌گرایی (کلاسیک) یونانی و برخی طالب واقع‌گرایی دقیق بودند (تصویر ۱۵).

● **نقوش برجسته:** نقوش برجسته روی سنگ به دو گروه گزارشی (روایتی) و تدفینی تقسیم می‌شوند. یونانی‌ها در ثبت وقایع از اساطیر سود می‌بردند، اما رومی‌ها برخلاف یونانی‌ها علاقه‌ی زیادی به مستندسازی و ثبت رویدادهای واقعی داشتند. البته رومی‌ها نیز در بعضی مواقع بی‌میل نبودند که عناصر تمثیلی و واقعی را با هم درآمیزند (تصویر ۱۶). رومی‌ها مانند آشوری‌ها (ن.ک. به: میانرودان)، در نقوش برجسته گزارشی یا روایتی، رویدادهای مختلف را در صحنه‌های دنبال هم قرار می‌دادند. آنها بر روی لوحه‌های سنگی روی قبرها و تابوت‌های بزرگ سنگی مکعب‌شکل، اقدام به حجاری می‌کردند. در این حجاری‌ها، صحنه‌های زندگی روزمره و اساطیری، نوشته، علائم، نشانه‌ها و نقوش گیاهی و جانوری نقر می‌شد.



تصویر ۱۶- نقش برجسته، گفتگوی امپراتور با افسران رومی، سده اول میلادی، سنگ مرمر، ارتفاع ۲۰۶ سانتی‌متر، موزه پروفانو^۱

● **نقاشی:** رومی‌ها در نقاشی نیز مانند تندیس‌سازی به تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی پرداختند. آنها حتی گاه مضمون‌های اساطیری را با برداشتی واقع‌گرایانه به تصویر می‌کشیدند. آنان قواعد پرسپکتیو علمی را نمی‌دانستند ولی بدون به‌کار بردن آن، مسائلی چون کوچک‌نمایی نقش افراد و اشیاء و جَونمایی در فضا را با مهارت کامل حل می‌کردند. آنها مضامینی چون صحنه‌های اساطیری (داستانی)، زندگی روزمره، طبیعت بی‌جان (تصویر ۱۷)، صحنه‌های بازی، مناظر معماری، باغ‌های پُرگل و گیاه (تصویر ۱۸) و صحنه‌های طنز و درام را به تصویر می‌کشیدند. به‌طور کلی، اگر چه نقاشی رومی در زمره بهترین

تجلیات هنری جهان به‌شمار نمی‌آید، اما به لحاظ حفظ و تکمیل سنت‌های باستانی و انتقال آن به دنیای مسیحیت از اهمیتی خاص در تاریخ هنر غرب برخوردار است. بیشترین آثار نقاشی آن‌ها از شهرهای پُمپئی^۱ و هرکولانیوم^۲ در کاوش‌های باستان‌شناسی سده هیجدهم میلادی کشف شده است.

● **موزاییک**: هنر موزاییک نوعی هنر معرّف با سنگ‌های الوان کوچک برای تزئین سطوح معماری است که ریشه آن به خاورمیانه می‌رسد. یونانی‌ها و سپس رومی‌ها از موزاییک برای زیباسازی کف بناها استفاده می‌کردند اما به تدریج انواع مضامین با کارکردی نقاشی گونه در دیگر بخش‌های ساختمان نیز به کار گرفته شد و اعتباری در حد نقاشی کسب کرد (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۸- منظره باغ، نقاشی دیواری (فرسکو^۳) از خانه‌ای در حومه شهر روم، ۵۹۰ در ۳۰۰ سانتی‌متر، ۲۰ پیش از میلاد، موزه ملی شهر رم



تصویر ۱۷- طبیعت بی‌جان، هرکولانیوم، حدود سال ۵۰ میلادی



تصویر ۱۹- نقاشی موزاییک، حدود ۳۰۰ میلادی، پیازا (Piazza)

۱- Pompey

۲- Herculaneum

۳- (feresco) شیوه نقاشی بر روی دیوار گچی یا آهکی نمدار یا خشک است.

جدول گاهنگاری روم باستان		
	۲۷ پیش از میلاد تا ۳۵۹ میلادی	دوره امپراتوری
	۲۷ - ۵۱۰ پیش از میلاد	دوره جمهوری
	۳۰۰ - ۷۵۰ پیش از میلاد	اتروسک

ارزشیابی

- ۱- اتروسک‌ها تحت تأثیر چه تمدنی بودند؟
- ۲- معماری اتروسک دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۳- کدام گزینه از ابتکارات اقدام اتروسک در معماری است؟
 الف) طاق گهواره‌ای ب) سقف شیروانی
 ج) سرستون د) نقشه دایره
- ۴- تندیس‌های اتروسک‌ها با چه موادی ساخته می‌شدند و چه خصوصیتی داشتند؟
- ۵- رومی‌ها با هنر یونان چه برخوردی داشتند؟
- ۶- معماری رومی دارای چه ویژگی‌هایی بود؟
- ۷- نقوش برجسته رومی دارای چه موضوع‌هایی بودند؟
- ۸- معبد سیبیل دارای چه ساختاری بود؟
- ۹- کدام نوع سازه از ابتکارهای مهم رومی‌ها در زمینه معماری بود؟
- ۱۰- مهمترین ویژگی تندیس‌سازی رومی‌ها چه بود؟
- ۱۱- نقاشی‌های رومی دارای چه خصوصیتی بودند؟
- ۱۲- هنر موزاییک را شرح دهید.